

حذف و انواع آن

تعریف حذف: گاه گوینده یا نویسنده بنا به دلایلی قسمتهایی از سخن خود را که خواننده می تواند به آن پی ببرد حذف می نماید که به آن حذف اجزای جمله

می گویند

قانون طلایی حذف به قرینه لفظی چیست؟

انواع حذف: الف) حذف به قرینه لفظی: زمانی است که نویسنده برای جلوگیری از تکرار بخشی از جمله را که وجود دارد حذف می نماید مثال:

مَنْتَ خدای عزّ و جلّ که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت. «است» از پایان سخن به قرینه لفظی حذف شده است.

نکته ۱: در مورد فعل ها شناسه و وابسته های فعلی مثل (ب امر. ن نفی و نهی و...) را در نظر نمی گیریم. مثلا آنها با هم آمدند و ما نیز به دنبالشان. «آمدیم» حذف به قرینه لفظی است.

نکته ۲: نهاد جدا پی که ضمیر باشد به واسطه وجود شناسه اغلب به قرینه لفظی حذف می شود مانند. به خانه آمدم. «من» از ابتدای جمله به قرینه لفظی حذف شده است.

نکته ۳: ممکن است اول یک واژه بیاید و بعد حذف شود مانند «است» در مثال اول و ممکن است ابتدا حذف شود و بعد بیاید. مانند: دوستان علی شاد و دشمنانش غمگین بودند. «بودند» بعد از شاد به قرینه لفظی فعل پایانی حذف شده است.

نکته ۴: گاهی ممکن است فعل و شناسه مخفف شوند و تنها شناسه بیاید و در جایی دیگر مخفف همان فعل با تغییر شخص آمده باشد این حذف نیز حذف به قرینه لفظی محسوب می شود. مثال

نخستین بار گفتش کز کجایی. بگفت از دار ملک اشنایی «ام» فعل هستم به قرینه لفظی مصراع قبل محذوف است.

ب) حذف به قرینه معنوی: در این نوع حذف از معنا و سیاق کلام به قسمت حذف شده پی می بریم مثال: هر چه ارزان تر بهتر. یعنی هر چه ارزانتر (باشد) بهتر (است).

یا: بلند آن سر که او خواهد بلندش. یعنی: بلند آن سر (است)

نکته ۱: در جمله های سوگندی فعل به قرینه معنوی حذف می شود. مثال: به علی شناختم من به خدا قسم؛ خدا را

یا: به دوستی که اگر زهر باشد از دستت چنان به ذوق ارادت خورم که حلوا را. افعال و جملاتی که به قرینه معنوی حذف می شوند باید در شمارش تعداد جملات به حساب آیند.

نکته ۲: در شبه جملات حذف فعل به قرینه معنوی در نظر می گیریم. مثال: افسوس که افسانه سرایان همه رفتند. یعنی افسوس (می خورم) «می خورم» به قرینه معنوی محذوف است. البته اگر همان فعل در جملات باشد لفظی است مانند

گفتم نگرم روی تو گفتا به قیامت گفتم روم از کوی تو گفتا به سلامت (برو قرینه لفظی چون روم در جمله قبل هست)

نکته ۳: هر گاه مسند صفت تفضیلی باشد و بعد از آن «که» باشد معمولاً حذف فعل به قرینه معنوی داریم و «که» به معنای «از» است مانند: جوی مشک بهتر که یک توده گل. (یعنی بهتر است از یک توده گل). نه هر که به قامت مهتر به قیمت بهتر. آن به که نظر باشد و گفتار نباشد.

نکته ۴: گاه باید خیلی دقیق به توالی و معنای جملات دقت کنیم تا بخش حذف شده را تشخیص دهیم مانند:

(گفت: نزدیک است والی را سرای آنجا شویم گفت والی از کجا در خانه خمار نیست؟) که در اصل چنین بوده

گفت والی از کجا (بدانم یا معلوم است که) در خانه خمار نیست. (فقط حذف فعل در نظر میگیریم)

نکته ۵: در جملات پر کار برد معمولاً فعل به قرینه معنوی محذوف است. مانند: تولد ت مبارک

نکته ۶: اگر سوال بخشی حذف شده فعل را بخواهد در گزینه ها بیشتر باید دنبال «صفت مفعولی» و «نه» باشیم.

مجموعه
موسسه
موسسه
موسسه